برای زنده‌یاد خلبان محمود اسکندری، قهرمانی که خیلی او را نمی‌شناسیم

جهنم بغداد هم نتوانست سرباز وطن را وادار به تسلیم کند

سال ۱۳۹۶ مقام معظم رهبری دستور پیگیری پرونده مرحوم اسکندری و زدودن غبار فراموشی از چهره او را صادر کردند

■ احمد محمد تبریزی

چند روز پیش رهبر معظم انقلاب نشان فداکاری را به خانواده امیر خلبان محمود اسکندری اعطا کردند. (وی سال ۱۳۸۰ در گمنامی درگذشت) همین موضوع سبب شد تا نام این خلبان نیروی هوایی پس از سال‌ها گمنامی در فضای مجازی پیچیده شود و مردم با چهره و نام او بیشتر آشنا شوند. داستان زندگی محمود اسکندری ماجراهای گفته و ناگفته زیادی دارد و یکی از دلایلی که موجب گمنامی او شده، همین باز نشدن صندوقچه اسرار زندگی‌اش است. هر چند ابهاماتی از گذشته در مورد زنده‌یاد اسکندری در ذهن برخی مسئولان وجود داشت، اما پیگیری‌های رهبر معظم انقلاب در مورد وضعیت این خلبان نابغه، باعث زدوده‌شدن ابهامات و شفاف‌شدن شایستگی و لیاقت او شد. رهبر انقلاب از سال ۱۳۹۶ دستور پیگیری پرونده این مرد بزرگ را داده بود و حالا با اعطای نشان فداکاری، مهر تأییدی بر فداکاری و میهن‌پرستی اسکندری خورد. در طول این سال‌ها رسانه‌های ضدانقلاب با تحریف واقعیت می‌خواستند نشان دهند نظام اسلامی در پی نام اسکندری است و هیچ تجلیل و حمایتی از او نمی‌شود، اما پیگیری و حمایت‌های مقام معظم رهبری، خط بطلانی بر تمام این فرضیه‌ها کشید و نشان داد نظام اسلامی و مردم هیچ‌گاه قهرمانان واقعی‌شان را فراموش نخواهند کرد.

غریبی یک مرد بزرگ

حال سؤال اینجاست، خلبان محمود اسکندری که بود و چرا در طول این سال‌ها کمتر نام و نشانی از او در رسانه‌ها شنیده است؟ در طول این سال‌ها درباره زنده‌یاد محمود اسکندری تنها یک کتاب با نام «ناصر ایجکت نکن» در سال ۱۳۹۹ منتشر شده که یکی از آثار غریب ادبیات دفاع مقدس است. غیر از این کتاب، اثر درخور دیگری در رابطه با حماسه‌های اسکندری نوشته نشده است تا آنطور که باید و شاید شناخت‌مان از این قهرمان بزرگ کامل شود. برای شناخت بهتر اسکندری باید به چند دهه قبل سفر و پاسخ بسیاری از سؤالات را آنجا پیدا کرد. گفتن از مرحوم اسکندری ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد. نبوغ، دانش، مهارت، شجاعت و دلاوری اسکندری، او را به یکی از اعجوبه‌های نیروی هوایی ایران تبدیل کرده بود. اسکندری از خلبانان به واقع تیزپروازی بود که شجاعت حیرت‌انگیزی در مانورهای محیرالعقول داشت. دلاوری‌های وی به زمانی مربوط می‌شود که ایران در تحریم نظامی قرار داشت و از فروش هواپیمای نظامی به کشور جلوگیری می‌شد. با این حساب ساقط‌شدن هر فروند، به معنای عدم جایگزینی فروند دیگر و کم‌شدن آن از آمار نیروی هوایی بود.

محمود اسکندری افتخارات زیادی در کارنامه خلبانی خود دارد که سه عنوان از شاخص‌ترین آنها، حضور به عنوان لیدر دوم حمله به اچ ۳، انهدام پل استراتژیک عراق روی اروندرود و حضور در عملیات بغداد برای ناامن جلوه‌دادن این شهر با هدف جلوگیری از میزبانی آن از کنفرانس جنبش عدم تعهد بود.

امیر سرتیپ نمکی می‌گوید: «عباس دوران و محمود اسکندری در حالی به عملیات بغداد رفتند که میزان تلفات این حمله در دفتر طرح و برنامه نیروی هوایی ۷۵درصد تخمین زده شده بود و این یعنی به‌طور حتم یکی از دو فروند به دست پدافند عراق که گفته می‌شد از پدافند مسکو هم قوی‌تر است، ساقط می‌شد.»

نمکی همچنین درباره شخصیت اسکندری می‌گوید: «هرقدر شجاع و دلاور بود، به همان میزان بی‌ادعا و بی‌ریا بود. اسکندری در مقاطع ابتدایی جنگ، یعنی پاییز سال ۶۱ با درجه سرهنگی، فرمانده تیپ شکاری پایگاه یکم شکاری (مهرآباد) و دارای بیش از ۲هزار ساعت پرواز با هواپیمای فانتوم بود.»

غافلگیری بعثی‌ها

پس از عملیات اچ۳، چند فروند از هواپیماهای نیروی هوایی برای تعمیر به سوریه برده می‌شوند. مرحوم اسکندری مأمور آوردن هواپیماها در آن شرایط سخت می‌شود. امیر تیمسار فرج‌الله براتپور از خلبانان زبده نیروی هوایی، درباره این مأموریت می‌گوید: «خدا مرحوم اسکندری را بیامرزد! تعمیر هواپیمای آسیب‌دیده مدتی طول کشید و بعد برای آوردنش به ایران، مرحوم اسکندری و محمد جوانمردی رفتند. آوردن این هواپیما خودش یک قصه مفصل و جدا دارد. ایشان به سوریه رفته و اول یک پرواز تست با آن هواپیما انجام داده بود. اینها را جوانمردی به من گفت که ما بلند شدیم و پرواز تست را در حضور سوری‌ها انجام دادیم. اسکندری آنجا یک لو پَس (Lowpass)ای می‌رود که سوری‌ها مات و مبهوت می‌مانند. مثل اینکه فرمانده یا جانشین نیروی هوایی سوریه پیش از پرواز به اسکندری می‌گوید: «من کابین عقبت می‌نشینم!» که او هم می‌گوید، نمی‌شود.

اسکندری با لو پسی که از بالاسر اینها داشته، باعث می‌شود کلاه‌های همه افسران از سرشان بیفتد. از آن طرف هم عراقی‌ها باخبر می‌شوند که این فانتوم می‌خواهد از سوریه خارج شود. به همین خاطر در آسمان شمال عراق منتظرش بودند و وقتی داشت برمی‌گشت، به سمتش شلیک می‌کنند که به بالش می‌خورد و می‌نشیند. دوباره هواپیما را درست می‌کنند و تستش می‌کند، اما این مرتبه، اسکندری عراقی‌ها را گول می‌زند. وقتی روی هوا از تانکر سوخت می‌گیرد، به کسی نمی‌گوید و از شمال عراق، گردش ۱۸۰درجه می‌کند و وارد خاک عراق می‌شود. از آنجا هم کف زمین پرواز می‌کند و درست از وسط عراق خودش را به ایران می‌رساند. باک بنزین بیرونی‌اش را هم که خالی می‌شود، نزدیک بغداد رها می‌کند و بعد هم که به مرز می‌رسد، در خاک خودمان تانکری سوخت‌رسان به او بنزین می‌رساند؛ در نهایت اسکندری این‌فانتوم را آورد و در همدان نشاند. این عملیات را هم با شجاعت عجیبی انجام داد؛ طوری که عراقی‌ها آچمز ماندند. چون در نقطه‌ای که دفعه قبل او را مورد هدف قرار داده بودند، به انتظار نشسته بودند، اما او از مسیر دیگری پرواز و همه را غافلگیر کرد.»

نقش‌آفرینی اسکندری در عملیات آزادسازی خرمشهر یکی دیگر از حماسه‌های کمتر گفته شده درباره اوست. براتپور با انتقاد از اینکه چرا در جریان انهدام پل استراتژیک اروندرود و محاصره نیروهای بعثی نامی از اسکندری برده نمی‌شود، بیان می‌کند: «همه پشتیبانی عراقی‌ها از آن پل بود و وقتی پل را زد، دیگر هیچ پشتیبانی و تدارکاتی به آنها نرسید. خیلی از نیروهای دشمن محاصره و اسیر شدند و تعدادی از عراقی‌ها هم به آب زدند و در اروند غرق شدند، اما این واقعیت را که محمود اسکندری و نیروی هوایی این پل را زده، نمی‌گفتند تا نیروهوایی واقعیت را گفت. «آقا، این پل را ما زدیم! چرا هیچ اسمی از اسکندری نمی‌آورید؟»»

> محمود اسکندری افتخارات زیادی در کارنامه خلبانی خود دارد که سه‌عنوان از شاخص‌ترین آنها، حضور به‌عنوان لیدر دوم حمله به اچ ۳، انهدام پل استراتژیک عراق روی اروندرود و حضور در عملیات بغداد برای ناامن جلوه‌دادن این شهر باهدف جلوگیری از میزبانی آن از کنفرانس جنبش عدم تعهد بود

> آسمان بغداد برای خلبانان ایرانی تبدیل به جهنم شد. دو جنگنده ایرانی حملات سنگینی را تحمل کردند و چندین گلوله ضدهوایی نیز به هواپیمایشان برخورد کرد. لحظات حساسی برای خلبانان بود و آنها کار سختی در پیش داشتند. تنها ترس اسکندری در آن لحظات این بود که واهمه داشت داخل خاک عراق، سوختش تمام شود و مجبور به ایجکت شود و به اسارت دشمن دربیاید

پرواز در جهنم بغداد

پرواز در آسمان بغداد به همراه شهید عباس دوران و گرفتن میزبانی جنبش عدم تعهد از عراق یکی دیگر از آن موارد استثنایی در مورد شجاعت محمود اسکندری است، در حالی که سخنگوی وزارت امور خارجه عراق از امنیت بالای آسمان عراق صحبت می‌کرد و این کشور را برای میزبانی اجلاس سران غیرمتعهدها آماده نشان می‌داد، چهار خلبان ایرانی با دو فروند فانتوم تمام معادلات را برهم زدند.

فانتوم‌های بمب‌افکن ایرانی باید برای نفوذ به آسمان بغداد از تکنیک پرواز چسبیده به زمین با سرعت بالا استفاده می‌کردند تا از سوی رادارهای پدافندی شناسایی نشوند، هرچند که این تکنیک تنها درباره سامانه‌های پدافندی ارتفاع بالا جواب می‌داد و دیگر پدافندهای هوایی کار را برای خلبانان ایرانی سخت می‌کرد.

به هر حال این فانتوم‌ها، پس از عبور از سد میراژها و میگ‌ها به حومه بغداد و اولین رینگ پدافندی رسیدند.

خلبان ناصر باقری که در جریان این مأموریت در کابین عقب جنگنده محمود اسکندری حضور داشت، در کتاب «ناصر ایجکت نکن» می‌نویسد: «جناب اسکندری، خیلی مسلط و سوار بر کار، منفذ کوچکی در آن دریای گلوله و آتش پیدا کرده و با کمی اصلاح جهت حرکت، دیوار مزبور را رد کردند. اینکه می‌گویم در آن ثانیه‌ها، خلبان محمود اسکندری بر اثر شدت استرس و تنش‌های عصبی فراوان، کنترل خود و حرکات خود را از دست ندادند و با اشراف کامل روی کار، دیواره آتش را گذراندند، خصیصه‌ای بود که بدون اغراق در هر خلبانی وجود ندارد»، اما پس از این و در نزدیکی بغداد، پدافند هوایی عراق که مخصوص درگیری با پرنده‌های مهاجمی که در ارتفاع پست و ارتفاع متوسط پرواز می‌کردند و ارتش بعث به تازگی تعداد زیادی از آنها خریداری کرده بود، شروع به کار کرد.

آسمان بغداد برای خلبانان ایرانی تبدیل به جهنم شد. دو جنگنده ایرانی حملات سنگینی را تحمل کردند و چندین گلوله ضدهوایی نیز به هواپیمایشان برخورد کرد. آنها پس از انجام مأموریت باید سریع به کشور باز می‌گشتند. لحظات حساسی برای خلبانان بود و آنها کار سختی در پیش داشتند. باقری توضیح می‌دهد تنها ترس اسکندری در آن لحظات این بود که «واهمه داشت داخل خاک عراق، سوختش تمام شود و مجبور به ایجکت شود و به اسارت دشمن دربیاید. در نهایت فانتوم اسکندری پس از یک‌ساعت پرواز نفس‌گیر در آشیانه خود به زمین نشست.»

گمنامی سرباز وطن

مرحوم اسکندری خلبان هواپیمای فانتوم بود و همه همکارانش مهارت او را در پرواز ستایش می‌کردند. مهارت عجیب اسکندری در پرواز ارتفاع پایین، در جریان دفاع مقدس ترس عجیبی به دل دشمن انداخته بود. پروازهای او به حدی مشهور شده بود که فرماندهان بعثی با نام محمود اسکندری آشنایی پیدا کرده بودند. آنها حتی برای مهار هواپیماهای او، با سیم تله‌هایی را در آسمان زده بودند تا موجب سقوط اسکندری و هواپیمایش شوند. امیر سرتیپ دوم حجت شریف‌نیا بیان می‌کند در سال‌های دفاع مقدس، درصد بالایی از بروز حالات عجیب و غریب در نیروهای عراقی، به جنگ روانی بمباران‌های ارتفاع پایین نیروی هوایی به دست افرادی مثل اسکندری مربوط می‌شد.

متأسفانه در جریان کودتای نقاب، برخی افراد از روی سوءنیت گزارش‌های غلط درباره اسکندری دادند و او را به گروه‌های سلطنت‌طلب مرتبط کردند و برایش حکم زندان گرفتند. وی زمان کوتاهی را در زندان ماند و بعد آزاد شد. با اینکه پس از مدتی بی‌گناهی اسکندری ثابت شد، ولی همین حضور در زندان در آینده برای او مشکل‌ساز شد. اگر کسی در ارتش، حکم یک‌سال زندان داشته باشد، خودبه‌خود اخراج می‌شود.

محمود اسکندری مدتی پس از خروج از ارتش، در سال ۱۳۸۰ سوار بر خودروی پراید تصادف و فوت می‌کند. دوستانش می‌گفتند در هواپیمای اف ۴ کسی نتوانست او را بزند، ولی جان او در پراید گرفته شد. محمود اسکندری وقتی فوت کرد که از ارتش تسویه شده بود. حتی همکارانش برای گرفتن تشییع جنازه‌ای در حد و اندازه‌های نام اسکندری با سختی مواجه شدند. پس از درگذشت اسکندری، دوستانش تلاش بسیاری می‌کنند تا حکم او را از اخراج به بازنشستگی تغییر دهند و در نهایت موفق به انجام این کار می‌شوند.

سرانجام پس از گذشت سال‌ها و از میان رفتن غبارها و ابهام‌ها، با دستور مقام معظم رهبری و انجام تحقیقات، رشادت‌ها و فداکاری‌های زنده‌یاد محمود اسکندری برای همگان مشخص شد. او یکی از قهرمانان ملی ماست که خودش را «سرباز وطن» می‌دانست. همرزمان و دوستانش سوگند یاد می‌کنند که بارها از او شنیده بودند که مردمش و مملکتش را بی‌نهایت دوست دارد و یک ایرانی به تمام معناست. همیشه وقتی صحبت می‌کرد، درباره کارهایش می‌گفت: «برای مردمم و برای مملکتم کرده‌ام.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۰۲

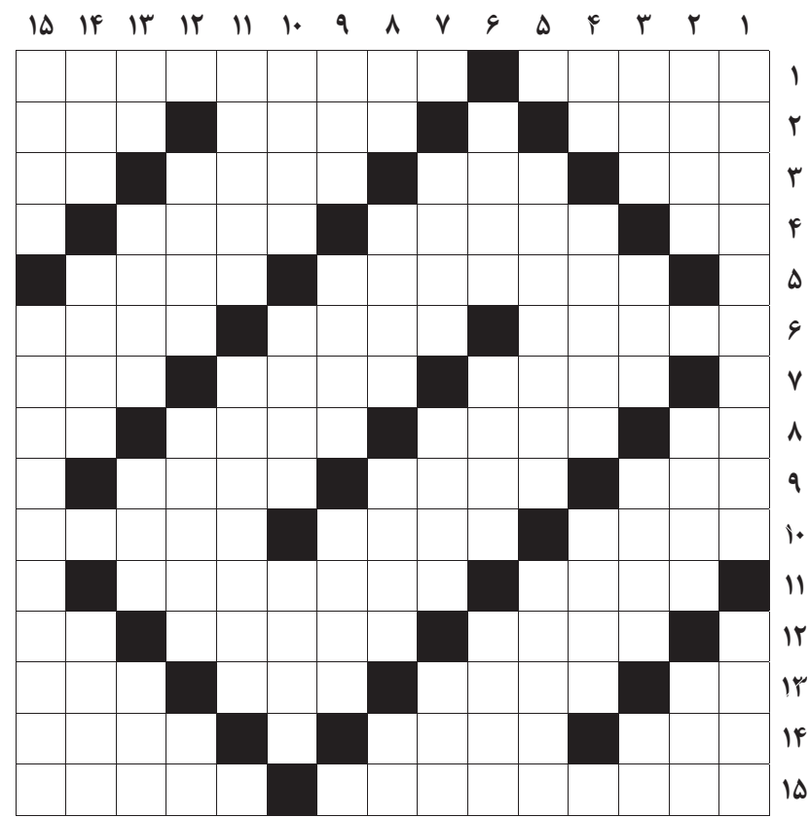

از راست به چپ

■ ۱- معروف‌ترین سیاستمدار قرن بیستم انگلیس- از رشته‌های ریاضیات عالی ■ ۲- از آلات موسیقی- دریاچه الموت قزوین- برس اسب ■ ۳- مظهر نرمی- شیر- حزبگرایی- تلخ ■ ۴- ریشه- یار فرهاد- بندر هرمز کهنه ■ ۵- داستانی از مارک تواین- آگاه ■ ۶- مؤسس سلسله ماد- سرود مهیج طبیعت- از حواریون حضرت عیسی ■ ۷- رفیع- خدای خدایان یونان- کلکم ... و کلکم مسئول ■ ۸- سرما- حاشیه کتاب- استان شاعران نامی- خدای مصنوعی ■ ۹- واحد لباس- برقرار و آباد- طبقه زمین ■ ۱۰- بالن- ملکی که چند مالک داشته باشد- از عتبات عالیات عراق ■ ۱۱- جامه- اپیدمی ■ ۱۲- گل خشک شده- دنباله- هزار کیلو ■ ۱۳- یزدان- انباز- بخشش بلاعوض- تزویر ■ ۱۴- گاو تبتی- شمارک- قطره‌ای که روی برگ گل نشیند ■ ۱۵- تیم فوتبالی در انگلیس- شمشیر هندی

از بالا به پایین

■ ۱- ترکیب فارسی به معنای زمان اندک- خوشه ستارگان پروین ■ ۲- ابریشم مصنوعی- تسهیل کننده- صدایی در موسیقی ■ ۳- عضو حساس بدن- قدرت و توان- ضرب- تنپوش مردانه ■ ۴- عدد توحیدی- شکل و صورت- کفش لاستیکی ■ ۵- نوشابه گازدار- دانشگاه معروف فرانسه ■ ۶- کشور نیکوزیا- ابر بی باران- نام قدیم مشکین‌شهر ■ ۷- غلاف شمشیر- از مواد افیونی خطرناک- وزیر خارجه اسبق امریکا ■ ۸- حرف انتخاب- پدر اختراع- خدای هندو- صابون خیاطی ■ ۹- واحد اندازه‌گیری طول انگلیس- پشت سر هم- ذمه ■ ۱۰- در آسایش- روش و طریقه- کشور لیبرویل ■ ۱۱- مواد اصلی هضم غذا در دستگاه گوارش- آشفته و پریشان ■ ۱۲- مقابل حق- اجرامی که به دور ستارگان می چرخند- محکم کردن ■ ۱۳- سقف دهان- شیشه- علامت فعل استمراری- سود حرام ■ ۱۴- سنگ سبز قیمتی- پرنده تیزبین- حلال رنگ ■ ۱۵- پنیر تازه یا ماست چکیده- نامه‌ای که در آن انتخاب نماینده‌ای از سوی رأی‌دهنده تأیید شده است

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵	۶	۲						
						۱	۷	
			۳	۸				
۳	۴				۹			
		۵						۳
۸		۹				۵		
				۷			۴	۲
			۵		۶		۸	
	۹							

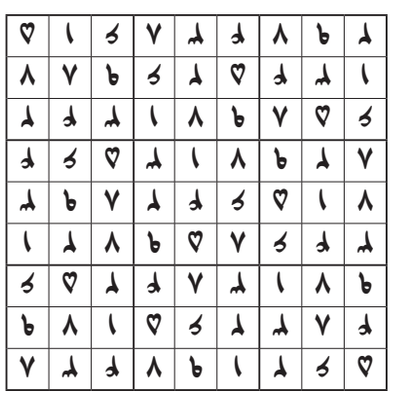

جدول کلمات متقاطع
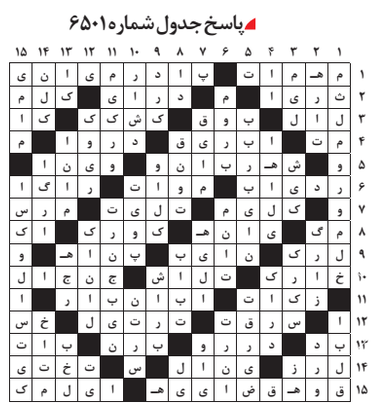
پاسخ جدول شماره ۶۵۰۱